



عکس: تیوال

ریاکاران پنهان پشت نقاب

داوود فتحعلی بیگی با فراخواندن مولیر، میرزا فتحعلی آخوندزاده و سعدی افشار روی صحنه نمایش **شب نشینی با مولیر** به نقد یکی از صفات رذیله انسانی پرداخته است

شمشاد و... در تالار هنر روی صحنه برو. این بازیبن به گفته داوود فتحعلی بیگی، «ریاکار» اگر چه نخست اقدام به صدور مجوز «تخت و خنجر» کرده بود اما در ادامه با رساندن تعابیری سوء در مورد این نمایش به گوش مدیران وقت، مانع از روی صحنه رفتن آن شد.

نقد مولیر بر ریاکاری در «تارتوف» و اقدام ریاکارانه بازیبن نمایش «تخت و خنجر» موجب شد که فتحعلی بیگی به صرافت نوشتن نمایشنامه‌ای به‌نام «شب‌نشینی با مولیر» بيفتد. نمایشنامه‌ای که

یکی از نمایشنامه‌های خودش؛ «تخت و خنجر» رخ داده بود به‌یاد بیاورد، درواقع آن چه مولیر در «تارتوف» برای بی اعتبار کردن ریاکاران پنهان‌شده پشت نقاب مذهب و تارک دنیایی می‌کند، اشکال دیگر ریاکاری را به‌یاد فتحعلی بیگی آورد. از جمله آن چه بازیبن ریاکار «تخت و خنجر» در سال ۱۳۶۳ با گروه اجرایی این نمایش کرد. نمایشی که قرار بود براساس متن داوود فتحعلی بیگی به کارگردانی مجید جعفری و با حضور جمعی از بازیگران پیشکسوت هم‌چون سعدی افشار، مهدی سنایی، حسن



نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

آن چه مولیر در نمایشنامه «تارتوف» می‌کند؛ بی اعتبار کردن همه اداهای حساب‌شده و شایادی‌های پنهان ریاکاران، جرقه‌ای بود تا داوود فتحعلی بیگی، استاد پیشکسوت نمایش‌های ایرانی، اتفاقاتی را که برای

باشد، بدین منظور اجرا می‌بایست از گفتار مرد مقتدر و زن بدبخت دست کشیده و ساحت جدیدی از مناسبات شخصیت‌ها را به نمایش گذارد که بر پیش‌بینی ناپذیری نقش‌ها و کنش‌ورزی‌ها استوار است. در این زمینه و بنابر گفتاری که نازنین ارائه می‌کند و شکل حضور صحنه‌ای‌اش که بر سادگی، صمیمیت ابتدایی، اغواگری و پیچیدگی انتهای مبتنی است، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که با نمایشی پارادوکسیکال مواجه هستیم که گاهی رادیکال و پیشرو می‌نماید و گاهی محافظه‌کار و کلیشه‌ای. شاید این وضعیت متناقض‌نما به ساختار کتاب‌گویی اجرا مربوط باشد که شخصیت نازنین را بی‌وقفه به سخن گفتن وامی‌دارد و او را در غیاب همسرش که گویا دست به انتحار زده، به‌نوعی مقرر جلوه می‌دهد. این قضیه با جنس بازی الهام‌کدها که واجد نوعی ملال‌زدگی تماشایی است، تشدید می‌شود. الهام‌کدها این توان را دارند که بی‌آن‌که زور بزنند تلاش بیهوده‌کنند، بر صحنه حضور ملانکولیک داشته باشند. اوج این توانایی را در نمایش «مالی سوینی» شاهد بودیم که الهام‌کدها توانست با مهارت، بینایی و نایبایی یک زن جوان را هنگام تلاطم زندگی به نمایش گذاشته و چشم‌ها را خیره‌کنند.

در این اجرا خبر چندان‌ی از برایی ضیافت شبانه و سرو کردن سوپ روسی بورش برای مهمانان نیست. مکان اجرا، حمام خانه نازنین است که حوضی در میانه‌اش قرار گرفته پر از آب سرد و پاهای شوهر بی‌جان‌ش که از آب بیرون زده و تماشاگران این صحنه را به تأمل و وحشت افکنده است. تصویری استعاری از فرجام کار مردی بی‌نوا که در مسیر زندگی با ازدواجی نامتعارف، گرفتار عشق زنی از طبقات فرودست جامعه شده که به نظر می‌آید در ادامه توانسته به تدریج از جایگاه فرودستی خویش خارج شده، افسار زندگی زن‌شویی را در دست بگیرد و سیطره‌اش را بر تمام ارکان زندگی مرد مستولی کند. حال این زن زیبا و آشفته را می‌بینیم که با سنگ وفادارش «مومو»، بر سر جنازه نشسته و مدام با انداختن قطعات یخ، در پی سالم نگه‌داشتن بدن بی‌جان شوهر است. با آن‌که به‌مانند نمایش اول، خبری از ضیافت شبانه شوهر و پختن و سرو کردن سوپ بورش نیست اما در این نمایش، شکل دیگری از یک ضیافت برپاست که

ملال و اغوا؛ روایتی از رنج زنانه نازنین

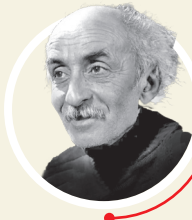
درباره نمایش **امشب به صرف بورش و خون به روایت نازنین**

رنج دیگری، بی‌شک در رابطه با دختران و زنان حاضر در سالن بلک‌باکس باغ کتاب تهران، بیش از مردان در قبال شخصیت نازنین اتفاق خواهد افتاد و از این منظر می‌توان حدس زد که گفتار زنانه اجرا، چه مخاطبانی را بیشتر مدنظر داشته و با چه کسانی مرزبندی دارد. این قضیه مدام مابین کلمات به‌کار رفته توسط نازنین نمود می‌یابد و مبتنی است بر کلیت‌سازی از زنان و مردان و منطق دوگانه‌سازی مرد - زن. فی‌المثل شاهد هستیم که چگونه در طول اجرا، چه آن زمان که نازنین لباس روشن بر تن دارد و شیوه حضورش، قربانی بودن را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند و چه آن هنگام که لباس تیره پوشیده و اغواگری و سلطنت را به نمایش می‌گذارد همچنان گفتارش بر همین منطق دوگانه مرد - زن همیشگی استوار است. پس می‌توان نتیجه گرفت که مهدی یزدانی خرم در مقام نویسنده، حتی به وقت خلق یک فضای زنانه چندان که باید، نتوانسته سوژه‌ای رهایی‌بخش ارائه کند و تلقی‌اش از جنسیت و عاملیت زنانه، بر همان مدار تثبیت‌شده قبلی است. با تساهل و تسامح می‌توان این واقعیت ضمنی را در رابطه با «امشب به صرف بورش و خون به روایت نازنین»، اذعان کرد که اجرا در ظاهر امر تلاش دارد بر مبنای رویت‌پذیر کردن زنی که در جهان داستایوفسکی به‌نوعی حذف شده باشد. بنابراین حضور بازیگر زن و ساخت‌شکنی از قصه داستایوفسکی، از این جهت اهمیت دارد که بدن حذف‌شده نازنین در نمایش اول را بر صحنه احضار کرده و به او در این نمایش دوم، عاملیت زنانه می‌بخشد یا تلاش دارد که ببخشد. این حضور زنانه آن زمان اهمیت واقعی خواهد داشت که سیاست بازنمایی اجرا بر مدار تقابل‌های دوتایی مرد - زن شکل نیافته باشد و فضایی تازه بگشاید و از نقش‌پذیری‌های کلیشه‌ای پرهیز کرده



محمدحسن خدایی
منتقد تئاتر

همکاری صابر ایر در مقام کارگردان و مهدی یزدانی خرم به‌عنوان نمایشنامه‌نویس این روزها به مرحله تازه‌ای رسیده و در قالب یک اجرای بحث‌برانگیز تئاتری در باغ کتاب تهران ادامه یافته که می‌توان آن را روایتی زنانه از داستان بلند «نازنین» داستایوفسکی دانست که پیش‌تر نسخه اولیه‌ای از آن در همین سالن بر صحنه رفت و پذیرای تعداد زیادی از تماشاگران پیگیر هنر نمایش شد. به دیگر سخن، در این نسخه دوم از این سه‌گانه، زنی که «نازنین» نام دارد و در روایت قبلی این گروه مشمول نوعی غیاب شده بود، امکان یافته به تنهایی پا بر صحنه گذاشته و از منظر نگاه خویش، شرح حوادثی از داستان بلند داستایوفسکی بیان کند که زندگی او را برای همیشه تغیر داده و حال‌وهوای این روزهایش را ساخته است. این شرح از حوادث گذشته آن هم از زبان زنی چون نازنین در حضور مخاطبان جوان نمایش چنان به اجرا درمی‌آید که اغلب تماشاگران با نگاهی خیره و گاه خجالت‌زده، وضعیت دشوار نازنین را به تماشا نشسته و ترجیح دهند در مواجهه با سرنوشت تراژیک او، تا حد امکان از خود همدلی نشان داده و روایت‌اش را کم‌وبیش باور کنند. بار دیگر مسئله جاری و ساری مابین تماشاگران و گروه اجرایی، امکان تجربه‌پذیری رنج «دیگری» است و تخیلی که هنگام روبه‌رو شدن با فرازوفرد زندگی راوی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. به لحاظ حسی و تاریخی، این تجربه‌پذیری



سومین اثر منتشر نشده نیما

نیما یوشیج در زمان حیات خود برخی از آثارش را به انتشار رساند. اما بسیاری از دست‌نوشته‌ها و اشعار او پس از مرگش در سال ۱۳۳۸، توسط سیروس طاهباز و پسرش شراکیم جمع‌آوری و منتشر شد. این روند تا اواخر دهه ۷۰ و زنده بودن طاهباز ادامه داشت. اما یازهم آثاری گم‌شده از این شاعر وجود داشت که در خانه و میان دست‌نوشته‌های او باقی‌مانده بود. در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، دو دفتر به نام‌های «صدسال دگر» و «نوی کاروان»، به کوشش مهدی علیایی مقدم و از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد. در نمایشگاه کتاب امسال سومین دفتر از آثار منتشرنشده نیما یوشیج به‌نام «از غریب من» به تصحیح مهدی علیایی مقدم تدوین شده که شامل ۲۰۹ شعر کوتاه و بلند از رباعی و ابیات پراکنده کوتاه تا منظومه‌های بلند نیما یوشیج را در بر می‌گیرد و یازهم در فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده است.



بازیگر کهنه‌کار چک درگذشت

ییرژی بارتوشکا، یکی از چهره‌های مهم و تاثیرگذار سینمای جمهوری چک، بر اثر بیماری سرطان درگذشت. علاوه بر جوایز بین‌المللی و بازی در آثار مهم سینمایی، شهرت بارتوشکا به ریاست او بر جشنواره بین‌المللی سینمایی کارلووی‌واری برمی‌گردد. این جشنواره که کار خود را بعد از جنگ جهانی دوم آغاز کرده بود، پس از انقلاب مخملی در بلوک شرق اروپا، با همت چهره‌هایی مانند ییرژی بارتوشکا تبدیل به یکی از جشنواره‌های مهم سینمایی اروپایی شد. بارتوشکا با وجود بیماری در سال‌های اخیر، تلاش زیادی برای بالا بردن سطح کیفی یک جشنواره کرد. ییرژی بارتوشکا در سال ۲۰۰۰ در نقش ویولونیست ماتئی میناچ در فیلم «همه عزیزان من» بازی کرد و جایزه شیر چک را برای این فیلم گرفت. از دیگر نقش‌های برجسته او می‌توان به «گورستان خارجی‌ها» و «تئوری بیر» اشاره کرد.



فیلم مایک‌لی در فرهنگسرای اندیشه

فردا ساعت ۱۷ در فرهنگسرای اندیشه، در ادامه نشست‌هایی با نام «سینما اندیشه» فیلم «حقایق سخت» آخرین ساخته کارگردان مشهور بریتانیایی مایک‌لی، به نمایش در خواهد آمد. در میز نقد این نشست، علی ورامینی روزنامه‌نگار و منتقد سینما و محسن سلیمانی‌فاخر، کارشناس و منتقد سینماحضور خواهند داشت و درباره این فیلم صحبت می‌کنند. «حقایق سخت»، یک درام کمدی درباره دو خواهر است که با تفاوت‌های زیاد اخلاقی با یکدیگر ارتباط دارند. این فیلم برای اولین بار در سپتامبر ۲۰۲۴ در چهل‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به نمایش درآمد و با تحسین منتقدان روبه‌رو شد. مایک‌لی سبک منحصر به فردی در فیلم‌سازی دارد. او داستان‌هایش را با استفاده از بداهه‌پردازی می‌سازد. «لی» نخل طلای جشنواره فیلم کن و شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز را در کارنامه دارد. همچنین برای فیلم «ارزاها و دروغ‌ها» کاندیدای بفتای بهترین کارگردانی بوده.